

تحلیل اجتماعی نسبت افکار عمومی، پرونده هسته‌ای و برجام

دکتر محمد فاضلی*

دکتر علی جنادله**

مقدمه

تاریخچه پرونده هسته‌ای و فشارهای قدرت‌های بین‌المللی برای متوقف نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به نخستین سال‌های پس از انقلاب بازمی‌گردد، زمانی که آلمان در سال ۱۳۶۱ از تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر انصراف داد. در عین حال، صدور قطعنامه ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ (سپتامبر ۲۰۰۳) آغاز رسمی این پرونده در مقیاس بین‌المللی است. این قطعنامه از ایران می‌خواهد که تا نهم آبان‌ماه همان سال، خواسته‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برآورده کرده و ضمن امضا و اجرای بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی، فعالیت‌های فرآوری اورانیوم را متوقف کرده و اجازه دسترسی نامحدود به اماکن و تأسیسات هسته‌ای ایران به مأموران آژانس انرژی اتمی داده شود.

پرونده هسته‌ای ایران از آن تاریخ تا کنون، تحولات و فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و طی این مدت چهار دولت با سه رئیس‌جمهور، بخش زیادی از فعالیت‌های سیاست خارجی خود را معطوف به حل این پرونده همراه با حفظ حقوق و منافع ملی کرده‌اند. مذاکره در خصوص این پرونده در برخی مقاطع به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده و در مقطعی دیگر، دولت با محوریت وزارت امور خارجه مسئولیت این مذاکرات را به عهده گرفته است. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز تا ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ مرجع رسیدگی به این پرونده بود، اما از آن تاریخ به بعد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد.

Email: fazeli114@gmail.com

Email: a.janadleh@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دولت‌های نهم، دهم و یازدهم با هدایت محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا کنون مسئولیت پیشبرد پرونده هسته‌ای را بر عهده داشته‌اند. مسئولیت پرونده در دوران محمود احمدی‌نژاد بر عهده شورای عالی امنیت ملی بوده که به ترتیب علی لاریجانی و سعید جلیلی مسئول مذاکرات هسته‌ای بودند. پرونده هسته‌ای در دولت حسن روحانی به وزارت امور خارجه منتقل شد و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه مسئولیت آن را بر عهده داشت. این سه نفر رویکردهای متفاوتی به مذاکرات هسته‌ای داشتند^۱ و اثرات متفاوت این رویکردها بیشتر در ابعاد اقتصادی - عمدتاً با تحلیل اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و ترکیب شدن اثر آن با مشخصه‌های اقتصاد ایران - و ابعاد سیاسی و امنیتی تحلیل شده است. تحلیل‌گران سیاسی و امنیتی همواره استدلال کرده‌اند که حل‌نشدن پرونده هسته‌ای سایه جنگ، چه محدود و در حد حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و چه گسترده ناشی از واکنش‌های نظامی طرفین درگیر را بر سر ایران قرار داده و مخاطره ناشی از این عامل مسبب پیامدهای ناخوشایندی برای ایران بوده است. آنچه در این میان کمتر به آن توجه شده، ابعاد اجتماعی پرونده هسته‌ای و در نتیجه غفلت از پیامدهای مثبت اجتماعی ناشی از امضا و اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک است. همین بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی مسئله سبب شده بررسی‌های اندکی درباره این بعد صورت گیرد و شواهد پژوهشی ناچیزی درباره آن وجود داشته باشد. مقاله حاضر به رغم همه کاستی‌ها درباره شواهد و پیامدهای اجتماعی پرونده هسته‌ای و برجام، کوشش می‌کند تحلیلی تا حد ممکن فراگیر از دستاوردهای اجتماعی روند طی شده در پرونده هسته‌ای و برجام ارائه کند.

ذکر یک نکته پیش از ورود به بحث درباره پیامدهای اجتماعی پرونده هسته‌ای و برجام ضروری است. برجام تأثیرات فوری هم دارد، اما عمده تأثیرات آن در میان‌مدت و با توجه به تعامل عوامل خارجی و داخلی مشخص می‌شود. برجام در جایگاه عامل رفع‌کننده موانع بیرونی در میان‌مدت و درازمدت اثربخش است، اما این اثربخشی زمانی معنا دار و مشهود می‌شود که موانع داخلی نیز برداشته و شرایط اصلاح شوند. اگر به مسئله از این زاویه نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که برجام بسیاری از امور را امکان‌پذیر کرده ولی گذر از امکان‌پذیری به دستاورد نیازمند اقداماتی در داخل است.

مفهوم بعد اجتماعی سیاست خارجی

سخن گفتن از دستاورد اجتماعی برجام ما را ملزم می‌کند ابتدا مفهوم «بعد اجتماعی» را روشن کنیم. این مقاله بعد اجتماعی را در این قالب درک می‌کند: «ذهنیت‌ها و نگرش‌های مردم که مقولاتی نظیر امید و اعتماد را نیز در بر می‌گیرد و سرمایه اجتماعی نظام سیاسی - اجتماعی را تشکیل می‌دهد. کل مقوله سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن برای نظام سیاسی نیز در زمره بعد اجتماعی تلقی می‌شود.»

۱. بدیهی است که رویکردهای متفاوت این سه نفر نتیجه تصمیم‌های کلان‌تری در کلیت نظام سیاسی بوده است.

داده‌های تحقیق

داده‌های زیادی درباره ابعاد اجتماعی پرونده هسته‌ای و تأثیرات ناشی از برجام در دست نیست. ماهیت امنیتی و محرمانه پرونده و مصالح ملی مربوط به محرمانه باقی ماندن تأثیرات تحریم‌ها سبب شده اطلاعات قابل توجهی درباره پرونده هسته‌ای تولید نشود یا اطلاعات تولیدشده در اختیار همگان قرار نگیرد. ما در این نوشتار بر مجموعه‌ای از نظرسنجی‌ها درباره پرونده هسته‌ای که در طول قریب به ۱۲ سال انجام شده‌اند، اتکا کرده‌ایم. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد چه تعداد نظرسنجی و در چه مقاطعی انجام شده است. نظرسنجی‌های انجام‌شده معطوف به ارزیابی سؤالاتی که در این مقاله در نظر داریم، نبوده‌اند و بنابراین تلاش شده تا حد ممکن الزامات آن‌ها برای سؤالات این مقاله استخراج شوند. مجموعه‌ای از نظرسنجی‌ها نیز درباره «توقعات و انتظارات از دولت یازدهم» در فاصله مرداد ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۵ انجام شده که سؤالات مربوط به سیاست خارجی و برجام بخش فرعی آن‌ها بوده است؛ لیکن در این مقاله از آن داده‌ها نیز استفاده شده است.

جدول (۱): نظرسنجی‌های مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در خصوص پرونده هسته‌ای

ردیف	تاریخ اجرای نظرسنجی	جامعه آماری	اندازه نمونه
۱	۹، ۱۰ و ۱۱ مهرماه ۱۳۸۲	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۳۵۵ نفر
۲	مرداد ۱۳۸۳	نامشخص	نامشخص
۳	۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۴	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۱۱۱۴ نفر
۴	۹ و ۱۰ بهمن ۱۳۸۴	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۰۱۹ نفر
۵	۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۲۴ نفر
۶	۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۱۱۸۹ نفر
۷	۴ آبان ۱۳۸۶	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۰۱ نفر
۸	۵ اسفند ۱۳۸۶	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۹۲۱ نفر
۹	۸ مرداد ۱۳۸۷	شهروندان ۱۵ سال و بالاتر تهرانی	۱۰۳۳ نفر
۱۰	۳۰ خرداد ۱۳۸۹	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۱۷۲ نفر
۱۱	۷ مرداد ۱۳۹۲	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۶۴۶ نفر
۱۲	۷ مهر ۱۳۹۲	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۰۰ نفر
۱۳	۱۸ آبان ۱۳۹۲	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۶۷ نفر
۱۴	۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۰۰۶ نفر
۱۵	۱۵ مرداد ۱۳۹۳	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۶۲ نفر
۱۶	۱۵ اسفند ۱۳۹۳	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۱۹۸ نفر
۱۷	۱۵ مرداد ۱۳۹۴	شهروندان ۱۸ سال و بالاتر تهرانی	۱۲۶۳ نفر

افکار عمومی، پرونده هسته‌ای و برجام

درک تأثیرات اجتماعی برجام، نیازمند تحلیل روند دیدگاه‌ها درباره پرونده هسته‌ای است. پرونده هسته‌ای ایران مولود یک‌شبه نیست و در روندی تاریخی که حداقل از سال ۱۳۸۲ شروع شده، پدید آمده و به موجودیتی اجتماعی بدل شده است. اولین نظرسنجی در مهرماه ۱۳۸۲ نشان می‌دهد تنها حدود ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان گفته بودند به میزان زیادی از موضوع اطلاع دارند. نظرسنجی دوم که در مردادماه ۱۳۸۳ انجام شده بود حاکی از آن است که ۵۲/۵ درصد پاسخ‌گویان از موضوع مطلع بوده‌اند. میزان آگاهی و حساسیت عمومی در بازه‌ای یک‌ساله به شدت افزایش یافته است. نظرسنجی بهمن‌ماه ۱۳۸۴، میزان پیگیری اخبار و تحولات پرونده هسته‌ای ایران را به صورت سؤالی پنج‌گزینه‌ای ارزیابی می‌کند. مجموع کسانی که گزینه زیاد و متوسط را برگزیده‌اند به ۶۶/۸ درصد می‌رسد و نشان می‌دهد میزان پیگیری اخبار پرونده هسته‌ای روندی صعودی داشته است.

سؤال پنج‌گزینه‌ای در دو نظرسنجی دیگر اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵ و اردیبهشت ۱۳۸۶ تکرار شده‌اند. نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۵، نشان می‌دهد ۴۲/۴ درصد افراد، اخبار مربوط به انرژی هسته‌ای را زیاد دنبال می‌کردند که این نسبت در نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ به ۴۶/۵ درصد افزایش یافته است. اگر درصد گزینه متوسط را به درصد‌های فوق بیفزاییم به ترتیب نسبت‌های ۶۹/۶ درصد و ۶۷/۸ درصد به دست می‌آیند که در مجموع نشان‌دهنده افزایش میزان پیگیری اخبار پرونده هسته‌ای نسبت به نظرسنجی بهمن ۱۳۸۴ است. اگرچه نظرسنجی‌های بعدی بدون پریشی درباره پیگیری اخبار پرونده هسته‌ای بوده، اما نتایج تا سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد بیش از دوسوم جامعه اخبار آن را پیگیری می‌کرده‌اند و طبیعی است بعد از اینکه پرونده هسته‌ای در انتخابات سال ۱۳۹۲ و پس از آن به خبرسازترین موضوع کشور بدل شد، این مسئله در سطح ملی فراگیر شده است.

نظرسنجی‌ها همچنین از تأکید اکثریت شهروندان بر ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای حکایت می‌کند. نظرسنجی مهرماه ۱۳۸۲ نشان می‌دهد ۸۵ درصد شهروندان تهرانی معتقد به ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای بودند. نسبت این افراد در نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۳، به ۶۳ درصد کاهش یافته بود. نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۴ تا نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۵ نشان می‌دهند ارزیابی شهروندان تهرانی از ضرورت دستیابی به فناوری هسته‌ای، روندی افزایشی داشت، به گونه‌ای که نسبت شهروندانی که ضرورت دستیابی ایران به فناوری‌های هسته‌ای را زیاد ارزیابی کرده بودند، در نظرسنجی‌های اردیبهشت ۱۳۸۴، بهمن ۱۳۸۴ و اردیبهشت ۱۳۸۵ به ترتیب، ۷۵/۲ درصد، ۸۰/۴ درصد و ۸۴/۹ درصد بوده است. اگرچه روند افزایشی ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای در نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶، متوقف شده و تا حدودی روندی معکوس به خود گرفته و به ۸۲ درصد کاهش یافته بود، اما این میزان کاهش قابل ملاحظه نیست. آخرین نظرسنجی انجام‌شده توسط دانشگاه مریلند که

به صورت تلفنی و با پرسش از ۱۰۰۸ نفر ایرانی انجام شده، نشان می‌دهد ۸۵ درصد ایرانیان توسعه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را مهم تلقی می‌کنند.

جدول (۲): ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای

مهر	مرداد	اردیبهشت	بهمن	اردیبهشت	اردیبهشت
۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
۸۴/۶	۶۳	۷۵/۲	۸۰/۴	۸۴/۹	۸۲/۱
-	۱۱/۸	۵/۳	۸/۱	۵/۴	۵/۴
۱۱	۸/۳	۵/۱	۳/۸	۳/۳	۶/۹
۴/۴	-	-	-	-	-
۰	۱۶/۹	۱۴/۴	۷/۷	۶/۴	۵/۷
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
زیاد					
متوسط					
کم					
اصلاً					
بی‌پاسخ					
کل					

نظرسنجی مهرماه ۱۳۸۲ نشان می‌دهد ۵۸/۲ درصد شهروندان بر این باور بوده‌اند که ایران باید در فعالیت‌های هسته‌ای خود مقاصد نظامی و دفاعی نیز داشته باشد، هرچند ۷۰ درصد پاسخ‌گویان عقیده داشتند که استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای باعث خواهد شد کشور مورد تهدید خارجی قرار گیرد، اما با وجود موافقت شهروندان با کاربردهای نظامی و دفاعی از انرژی هسته‌ای، ۵۲/۱ درصد شهروندان عقیده داشتند فعالیت‌های هسته‌ای ایران باید بیشتر معطوف به زمینه‌های علمی و صنعتی باشد. در مقابل، حدود ۴۷ درصد پاسخ‌گویان (جمع درصدهای گزینه نظامی و گزینه هردو) موافق استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای بودند. طرفداران اهداف صلح‌آمیز علمی و صنعتی فعالیت‌های هسته‌ای حدود ۷ درصد و موافقان استفاده نظامی در نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۳ نزدیک به ۱۳ درصد کاهش یافته بود، اما نسبت افرادی که با انتخاب گزینه نمی‌دانم یا هیچکدام، از اظهار نظر صریح در خصوص جهت‌گیری صحیح‌تر فعالیت‌های هسته‌ای خودداری کرده بودند، از ۷/۰ درصد در نظرسنجی مهرماه ۱۳۸۲ به ۳/۱۹ درصد در نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۳ افزایش یافته بود. نتایج این دو نظرسنجی نشان می‌داد بیشترین درصد مربوط به طرفداران اهداف صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای بوده است.

به رغم ادعاهای قدرت‌های خارجی در خصوص نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، در همه نظرسنجی‌های صورت‌گرفته از مهرماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ۱۳۸۶، اکثریت پاسخ‌گویان بر این باور بودند که ایران به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. در عین حال، روند تغییرات نگرش شهروندان تهرانی در خصوص ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران از تحولات و رخداد‌های مربوط به پرونده هسته‌ای

تأثیر گرفته و همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده است. نکته مهم درباره همه این نظرسنجی‌ها آن است که اکثریت قاطع پاسخ‌گویان به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای باور داشتند. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران نزد اکثریت افکار عمومی خود هرگز متهم به قصد داشتن سلاح هسته‌ای نبوده و گروه اقلیتی که باور داشتند ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، از ۱۸/۱ درصد در مهرماه ۱۳۸۲ به ۷/۳ درصد در اردیبهشت ۱۳۸۶ کاهش یافته است.

جدول (۳): دیدگاه شهروندان در خصوص اهداف و مقاصد فعالیت‌های هسته‌ای ایران

گویه	مهرماه ۱۳۸۲	مردادماه ۱۳۸۳	بهمن ۱۳۸۴	اردیبهشت ۱۳۸۵	اردیبهشت ۱۳۸۶
به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است.	۵۰/۶	۴۰/۴	۴۸/۲	۵۳/۰	۵۱/۳
به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است.	۱۸/۱	۹/۸	۸/۴	۸/۰	۷/۳
هر دو	۳۱/۳	۲۱/۱	۲۶/۹	۲۴/۷	۲۷/۶
نمی‌دانم	-	۲۶/۱	۱۶/۵	۱۴/۲	۱۳/۸
هیچ‌کدام	-	۲/۴	-	-	-
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰/۰

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که درباره پرونده هسته‌ای پرسیده شده، پرسش از آمادگی مردم برای پذیرش پیامدهای پرونده هسته‌ای است. نظرسنجی مهر ۱۳۸۲ حاوی سه سؤال در خصوص میزان آمادگی شهروندان تهرانی برای پذیرش پیامدهای مختلف پرونده هسته‌ای است. نتایج نشان می‌دهد در آن مقطع تنها ۳۷ درصد پاسخ‌گویان، میزان آمادگی مردم برای امضای پروتکل الحاقی را زیاد ارزیابی کرده بودند. دو پیامد مشخص یعنی تحریم و حمله نظامی نیز مطرح شده بودند که با مطرح شدن پیامدهای مشخص و همچنین با افزایش شدت این پیامدها، درصد مربوط به گزینه زیاد کاسته شده و به درصد دو گزینه دیگر افزوده شده است. به ویژه در سؤال سوم که حمله نظامی مطرح شده بود، از نسبت هر دو گزینه زیاد و کم کاسته شده و به درصد گزینه اصلاً افزوده شده بود. به عبارت دیگر، با تشدید پیامدهای احتمالی پرونده هسته‌ای، آمادگی مردم برای پذیرش و تحمل این پیامدها، کمتر می‌شد.

نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۳ نشان می‌دهد از نظر ۴۴/۲ درصد پاسخ‌گویان، پذیرش خواسته‌های بین‌المللی و متوقف ساختن فعالیت‌های هسته‌ای از سوی ایران، تأثیری منفی بر آینده کشور خواهد داشت و فقط ۱۶/۵ درصد پاسخ‌گویان، تأثیرات این وضعیت را مثبت ارزیابی کرده بودند. نظرسنجی

اسفندماه ۱۳۸۶ که حدود یک سال پس از صدور دومین قطعنامه شورای امنیت مبنی بر تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تحریم صنایع هسته‌ای و موشکی ایران، اجرا شده بود، اکثریت پاسخ‌گویان (۴۲/۴ درصد) تأثیرات این قطعنامه‌ها بر اوضاع داخلی کشور را کم ارزیابی کرده بودند و حدود ۲۵ درصد پاسخ‌گویان گفته بودند این قطعنامه‌ها تأثیر زیادی بر اوضاع داخلی داشته است. چنانچه افرادی که در سؤال قبلی، تأثیرات پذیرش خواسته‌های بین‌المللی از سوی ایران را مثبت ارزیابی کرده بودند و نشان می‌دهد پس از صدور قطعنامه‌های شورای امنیت، نسبت کسانی که معتقد به تأثیرگذاری نامناسب پیامدهای پرونده هسته‌ای بر اوضاع داخلی کشور بودند، افزوده شده بود. مردم به تدریج نسبت به پیامدهای پرونده هسته‌ای نگران شده بودند.

نظرسنجی مهر ۱۳۸۲ نشان می‌داد اکثریت پاسخ‌گویان (نزدیک به ۵۱ درصد) نگرانی زیادی از عواقب و پیامدهای پرونده هسته‌ای داشتند. حدود ۲۶ درصد، نگرانی کمی بروز داده و نزدیک به ۲۳ درصد پاسخ‌گویان گفته بودند هیچ‌گونه نگرانی‌ای در این خصوص ندارند. این نظرسنجی کمی پس از انتشار گزارش محرمانه آژانس انرژی اتمی و در پی آن، صدور قطعنامه شهر یور ۸۲ آژانس انرژی اتمی مبنی بر تعلیق تمام بخش‌های چرخه سوخت - که آغاز رسمی بحران اتمی ایران شمرده می‌شود - انجام شده بود. بنابراین، بروز نگرانی زیاد در چنین مقطع زمانی قابل فهم است.

نظرسنجی بهمن‌ماه ۱۳۸۴ نشان می‌داد به نسبت تقریباً یکسان هم از درصد کسانی که نگرانی زیادی از پیامدهای پرونده هسته‌ای داشتند و هم درصد گروه دیگر که نگرانی کمی در این خصوص داشتند، کاسته شده بود و به نسبت کسانی که تا حدودی از عواقب این پرونده احساس نگرانی می‌کردند، افزوده شده بود. بر اساس مقایسه این نتایج با نتایج نظرسنجی قبل، می‌توان گفت در فاصله زمانی این دو نظرسنجی تغییر محسوسی در میزان نگرانی شهروندان تهرانی از عواقب و پیامدهای پرونده هسته‌ای صورت نگرفته و حتی به میزان کمی نیز کاهش داشته است. نظرسنجی بهمن‌ماه ۱۳۸۴، با فاصله زمانی بسیار کمی پیش از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت اجرا شده بود. نتایج نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۵، نشان می‌دهد میزان احساس نگرانی شهروندان تهرانی از پیامدهای پرونده هسته‌ای در آن مقطع زمانی کاهش یافته بود. مهم‌ترین رخداد هسته‌ای در آستانه اجرای این نظرسنجی، اعلام خبر دستیابی ایران به چرخه غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز بود.

نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ شواهدی از افزایش نگرانی شهروندان تهرانی از عواقب و پیامدهای پرونده هسته‌ای ارائه می‌دهد. دو قطعنامه شورای امنیت در خصوص تعلیق و سپس تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین تحریم صنایع هسته‌ای و موشکی در تیرماه و دی‌ماه سال قبل از اجرای این

نظرسنجی صادر شده بود. دومین خبر موفقیت هسته‌ای مبنی بر دستیابی ایران به غنی‌سازی صنعتی و همچنین رو به پایان بودن پرونده هسته‌ای در فروردین قبل از اجرای این نظرسنجی نیز توسط رئیس جمهور وقت اعلام شده بود. اوج رویارویی طرف‌های درگیر در پرونده هسته‌ای در این مقطع زمانی بوده و می‌توان احتمال داد با شدت گرفتن این رویارویی‌ها، نگرانی مردم از عواقب و پیامدهای پرونده هسته‌ای نیز شدت یافته بود.

جدول (۴): میزان نگرانی شهروندان تهرانی از پیامدهای پرونده هسته‌ای

مهر	بهمن	اردیبهشت	اردیبهشت	اسفند	
۱۳۸۲	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۶	
۵۰/۸	۳۷/۳	۳۱/۳	۴۰/۵	۲۵/۳	زیاد
-	۲۵/۵	۱۸/۹	۱۰/۷	۲۱	تا حدودی
۴۹/۲	۳۶/۵	۴۸/۸	۳۹/۹	۵۱/۴	کم/ اصلاً
	۸	۱/۱	۸/۸	۲/۳	بی‌پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		۱۰۰	کل

افت و خیز نگرانی مردم از عواقب پرونده هسته‌ای، به میزان زیادی همگام با تحولات و فراز و نشیب‌های این پرونده بوده و در مقاطعی که فضای همکاری بین طرف‌های درگیر پرونده، غلبه داشته، میزان نگرانی‌ها کاهش یافته و در مقاطع دیگر که رویارویی‌ها بیشتر محسوس بوده، با افزایش نگرانی‌ها همراه بوده است.

حمله نظامی به ایران همواره یکی از پیامدهای پرونده هسته‌ای تلقی شده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد در همه نظرسنجی‌ها، اکثریت شهروندان احتمال حمله نظامی به ایران را در حد کمی ارزیابی کرده بودند. نظرسنجی آبان‌ماه ۱۳۸۶ حاکی از آن است که درصد کسانی که احتمال حمله نظامی به ایران را زیاد ارزیابی می‌کردند، از ۲۲ درصد در مردادماه ۱۳۸۳ به حدود ۱۳ درصد کاهش یافته و نسبت گروه دیگر -که قائل به احتمال اندک حمله بودند- از حدود ۴۸ درصد در نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۳ به حدود ۷۶ درصد در نظرسنجی آبان ۱۳۸۶ افزایش یافته بود. نظرسنجی اسفند ۱۳۸۶ نشان می‌داد ارزیابی شهروندان تهرانی از احتمال حمله نظامی به ایران تا حدودی افزایش یافته و روند افزایشی احتمال حمله نظامی در نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۷ نیز ادامه داشت. تیرماه ۱۳۸۷ نخستین دور مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ تحت عنوان «ژنو ۱» شروع شده بود که در آن سعید جلیلی به عنوان نماینده ایران در آن حضور داشت. خاویر سولانا در همان زمان و اعضای ۵+۱ اعلام کرده بودند در

صورتی که ایران پاسخ روشنی به «بسته پیشنهادی» آنها ندهد، چاره‌ای جز اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران نخواهند داشت. پاسخ آقای جلیلی نیز دعوت ملت ایران به مقاومت و ارائه بسته یا بسته‌های پیشنهادی جایگزین بود.

جدول (۵): احتمال حمله آمریکا و اسرائیل به ایران

مرداد ۸۷	اسفند ۸۶	آبان ۸۶	مرداد ۸۳	گزینه‌ها
۶۱/۵	۶۷/۲	۷۶/۱	۴۷/۹	کم
۱۲/۴	۱۶/۳	۸/۷	۱۳/۶	تا حدودی
۱۴/۲	۱۴/۸	۱۳/۴	۲۲	زیاد
۱۱/۹	۱/۷	۱/۸	۱۵/۴	نمی‌دانم/بی‌پاسخ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰		کل

نظرسنجی مهرماه ۱۳۸۲ پس از مطرح شدن لزوم امضا و اجرای بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی توسط ایران و در پی صدور قطعنامه شهریور ۱۳۸۲ مبتنی بر تعلیق تمام بخش‌های چرخه سوخت و اجازه بازدید به بازرسان آژانس انرژی اتمی، نشان می‌داد اکثریت پاسخ‌گویان یعنی نزدیک به ۴۷ درصد بر این باور بودند که ایران باید پروتکل الحاقی را با شرایطی امضا کند؛ حدود ۱۹ درصد نیز گفته بودند که ایران این پروتکل را بدون هیچ قید و شرطی امضا کند؛ و حدود ۲۵ درصد بر این باور بودند که ایران نباید پروتکل الحاقی را امضا کند. درصد کمی از پاسخ‌گویان (۳/۳ درصد) نیز گفته بودند در پاسخ به این خواسته آژانس، ایران از عضویت آژانس خارج شود. اکثریت پاسخ‌گویان (۶۶ درصد) در آن مقطع زمانی موافق امضای پروتکل بوده‌اند. نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ در شرایطی که دو قطعنامه شورای امنیت مبنی بر تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تحریم صنایع هسته‌ای و موشکی صادر شده بود و پس از اعلام دومین خبر موفقیت هسته‌ای در خصوص دستیابی ایران به غنی‌سازی صنعتی، نشان می‌داد اکثریت پاسخ‌گویان (۶۹/۱ درصد) اعتقاد داشتند ایران باید پس از کسب موافقت شورای امنیت، برنامه هسته‌ای خود را ادامه دهد و حدود ۲۶ درصد معتقد بودند ایران بدون توجه به نظر شورای امنیت، باید برنامه‌های هسته‌ای خود را ادامه دهد.

هرچند در فاصله زمانی بین نظرسنجی مهرماه ۱۳۸۲ و اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، پرونده هسته‌ای فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته بود، اما ملاحظه می‌شود که تقریباً تغییر قابل ملاحظه‌ای در دیدگاه شهروندان تهرانی در خصوص واکنش مناسب ایران به خواسته‌های آژانس یا جامعه جهانی صورت

نگرفته است. اکثریتی بالای ۶۰ درصد خواهان ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن شرایط و خواسته‌های جامعه جهانی و گروهی ۲۶ تا ۲۸ درصدی معتقد بر لزوم ادامه بی‌قید و شرط فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده‌اند.

جدول شماره ۶ نکات مهمی درباره نظر مردم در خصوص موضع مناسب ایران در قبال تهدیدات و فشارهای جهانی را نشان می‌دهد. اکثریت پاسخ‌گویان بر این باور بوده‌اند که ایران باید بر منافع خود پافشاری کرده و به گسترش فناوری هسته‌ای بپردازد. در عین حال، با شدت گرفتن تهدیدها از تحریم اقتصادی تا جنگ همه‌جانبه علیه ایران، از درصد کسانی که گزینه پافشاری بر گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را انتخاب کرده بودند کاسته و به درصد گروه دیگری که انعطاف در برابر خواسته‌های غرب را ترجیح داده بودند، افزوده شده است. تمایل به انعطاف در برابر خواسته‌های غرب با احتمال تشدید عواقب پرونده هسته‌ای بیشتر شده بود. این یافته با نتایج پیشین در خصوص میزان آمادگی شهروندان برای پذیرش پیامدهای پرونده هسته‌ای، هم‌خوانی دارد. پیش‌تر این نتیجه به دست آمده بود که با تشدید پیامدهای احتمالی پرونده هسته‌ای، آمادگی مردم برای پذیرش و تحمل این پیامدها، کمتر شده بود.

مقایسه نتایج دو محور اخیر، یعنی دیدگاه شهروندان تهرانی در خصوص واکنش مناسب ایران به خواسته‌های مجامع بین‌المللی و واکنش مناسب ایران به تهدیدهای جهانی، نشان می‌دهد تا هنگامی که فضای تعامل و همکاری و همچنین مطرح شدن خواسته‌های معقول جهانی مطرح باشد، اکثریت پاسخ‌گویان خواهان ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن شرایط و خواسته‌های جامعه جهانی می‌باشند، اما هنگامی که فضای حاکم بر مناسبات پرونده هسته‌ای به سمت تهدید و فشارهای جهانی پیش برود، اکثریت پاسخ‌گویان، گزینه پافشاری بر منافع و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای و عدم انعطاف در برابر خواسته‌های کشورهای غربی را به مسئولان پیشنهاد می‌کنند. این در واقع، بیانگر دیدگاه غالب در میان مسئولان ارشد نظام و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران است که در صحبت‌های اخیر دکتر روحانی در سازمان ملل نیز مطرح شد مبنی بر اینکه «ما در یک سال گذشته، به شفاف‌ترین گفت‌وگوها، برای اعتمادسازی در موضوع هسته‌ای ایران دست زده‌ایم؛ و نه در اثر تهدید و تحریم که بر مبنای اراده ملت خود، مذاکره جدی و صادقانه را در دستور کار قرار داده‌ایم زیرا بر این باوریم که موضوع هسته‌ای، یک راه حل، بیشتر ندارد و آن فقط مذاکره است و اگر برخی در تخیل خویش، به راه‌های دیگری می‌اندیشند، سخت در اشتباه هستند». این نتیجه در واقع می‌تواند نشان دهد که نظر اکثریت پاسخ‌گویان نه‌گزینه تقابل و رویارویی، بلکه مذاکره مبتنی بر احترام و تکریم متقابل است.

جدول (۶): واکنش مورد انتظار شهروندان تهرانی از نظام در برابر اقدامات احتمالی کشورهای خارجی در رابطه با پرونده هسته‌ای

بی پاسخ/سایر		از خود انعطاف نشان دهد و خواست کشورهای غربی را بپذیرد					بر روی منافع خود پافشاری کند و به گسترش فناوری هسته‌ای بپردازد							
مرداد ۸۷	اسفند ۱۳۸۶	آبان ۱۳۸۶	اردیبهشت ۱۳۸۵	بهمن ۱۳۸۴	مرداد ۸۷	اسفند ۱۳۸۶	آبان ۱۳۸۶	اردیبهشت ۱۳۸۵	بهمن ۱۳۸۴	مرداد ۸۷	اسفند ۱۳۸۶	آبان ۱۳۸۶	اردیبهشت ۱۳۸۵	بهمن ۱۳۸۴
														در صورت اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران
۴/۱	۱/۶	۲/۹	۲/۷	۳/۱	۲۴/۴	۱۹/۸	۱۸/۲	۲۱/۵	۳۲/۹	۷۱/۵	۷۸/۶	۷۸/۹	۷۵/۸	۶۴
														در صورت حمله محدود نظامی به ایران
۴	۱/۸	۲/۶	۴/۳	۲/۵	۳۲/۴	۲۵/۸	۲۷/۷	۳۵/۶	۴۱/۹	۶۳/۶	۷۲/۴	۶۹/۷	۶۰/۹	۵۵/۶
														در صورت جنگ نظامی همه‌جانبه با ایران
۴/۳	۱/۹	۳/۳	۴	۲/۷	۴۴/۶	۳۲/۲	۳۵/۳	۴۴/۱	۴۷	۵۱/۱	۶۵/۹	۶۱/۴	۵۱/۹	۵۰/۲

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد اکثریت قاطع پاسخ‌گویان در سال ۱۳۸۲ باور داشتند که آژانس با ایران رفتاری تبعیض‌آمیز و تحت فشار آمریکا دارد. نظر پاسخ‌گویان در مردادماه ۱۳۸۲ به گونه‌ای تغییر کرده که هنوز استقلال و واقع‌بینی آژانس را به رسمیت نمی‌شناختند، اما درصد گزینه نمی‌دانم افزوده شده و نشان می‌دهد نشانه‌های تردید در مردم بیشتر شده است. نتایج نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان در مقاطع زمانی مختلف، عملکرد قدرت‌های غربی در قبال پرونده هسته‌ای ایران را غیرمنطقی و ناعادلانه ارزیابی کرده بودند و در نظرسنجی‌های بهمن ۱۳۸۴ تا آبان‌ماه ۱۳۸۶ - به جز کاهش جزئی در نظرسنجی اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵ - این باور در میان شهروندان تهرانی گسترش بیشتری یافته بود، اما در آخرین نظرسنجی که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ اجرا شده بود، شاهد کاهش محسوس نسبت کسانی هستیم که معتقد به غیرمنطقی و غیرعادلانه بودن عملکرد قدرت‌های غربی در تعامل با پرونده هسته‌ای ایران بودند. نسبت این افراد در نظرسنجی آبان‌ماه ۱۳۸۶

به حدود ۸۰ درصد رسیده بود، در نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۹۳، این نسبت به حدود ۵۴ درصد کاهش یافته است. مهم‌ترین رخداد پرونده هسته‌ای قبل از این نظرسنجی، موفقیت دولت آقای روحانی در رسیدن به توافق ژنو بود. بر اساس این توافقنامه که برای «رسیدن به راه حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین» و با هدف «تضمین نمودن صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران» امضا شد، طرفین «به صورت داوطلبانه» متعهد شدند اقدامات متقابلی را به عنوان گام اول راه حل جامع انجام دهند. بنا بر این توافق، ایران برنامه هسته‌ای خود و غنی‌سازی اورانیوم را به شکلی محدود ادامه خواهد داد و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر تأسیسات خود تسهیل خواهد نمود. در عوض، طرف مقابل بخشی از تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران را تعلیق و از وضع تحریم‌های جدید اعم از بین‌المللی، چندجانبه و یک‌جانبه خودداری خواهد کرد.

جدول (۷): دیدگاه شهروندان تهرانی در خصوص استقلال عمل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

سال	گویه	درست	نادرست	نمی‌دانم
مهرماه ۱۳۸۲	رفتار آژانس اتمی در مورد ایران تبعیض‌آمیز است.	۸۲/۸	۱۷/۲	۰
۱۳۸۲	اقدام آژانس در صدور این قطع‌نامه تحت فشارهای آمریکا صورت گرفته است.	۸۷/۸	۱۲/۲	۰
مردادماه ۱۳۸۳	به عقیده شما تصمیمات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای مستقل و واقع‌بینانه است یا تحت تأثیر و نفوذ آمریکا	تحت تأثیر و نفوذ آمریکا	مستقل و واقع‌بینانه	نمی‌دانم
۱۳۸۳	و نفوذ آمریکا اتخاذ می‌شود؟	۵۹/۱	۱۵/۹	۲۳/۲

جدول (۸): میزان منطقی و عادلانه بودن عملکرد غربی‌ها در تعامل با پرونده اتمی ایران

ارديبهشت ۱۳۹۳	آبان‌ماه ۱۳۸۶	ارديبهشت ۱۳۸۶	ارديبهشت‌ماه ۱۳۸۵	بهمن‌ماه ۱۳۸۴	
۱۹	۶/۸	۶/۸	۸	۴	زیاد
۲۶/۲	۹/۲	۵/۷	۱۱/۵	۱۲/۳	نه زیاد، نه کم
۵۳/۶	۸۰/۴	۷۴/۴	۶۷/۹	۷۰/۱	کم
۱/۲	۳/۶	۱۲/۷	۱۲/۵	۱۳/۶	بی‌پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

نظرسنجی‌ای که در بهمن‌ماه ۱۳۸۴ - ۵ روز پیش از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت - اجرا شد، نشان می‌دهد تنها ۱۳ درصد شهروندان تهرانی، ارجاع پرونده به شورای امنیت را پیش‌بینی می‌کردند و نزدیک به ۴۴ درصد پاسخ‌گویان پیش‌بینی کرده بودند پرونده به شکلی مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهد شد. حدود چهار ماه بعد در نظرسنجی اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵، به رغم ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، خوش‌بینی نسبت به حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران بیشتر شده بود. حدود یک ماه پیش از اجرای نظرسنجی اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵، اولین خبر موفقیت هسته‌ای مبنی بر دستیابی ایران به چرخه غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز اعلام شده بود که می‌توان احتمال داد اعلام این خبر تأثیر مثبتی در افزایش امیدواری پاسخ‌گویان به حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران داشته است. البته، نسبت کسانی که تحریم ایران را پیش‌بینی می‌کردند نیز حدود ۸ درصد افزایش یافته بود.

فضای خوش‌بینی در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، در نظرسنجی اسفندماه ۱۳۸۶ نیز وجود دارد و حدود ۵۷ درصد پاسخ‌گویان آینده پرونده هسته‌ای ایران را امیدوارکننده ارزیابی کرده بودند. تحولات امیدوارکننده‌ای در فاصله زمانی بین نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۵ تا نظرسنجی اسفند ۱۳۸۶، در پرونده هسته‌ای ایران رخ داده بود. مذاکرات نهایی بر سر موضوع سانتریفیوژهای IP و 2P صورت گرفته بود و آژانس رفع اتهامات مربوط به این سانتریفیوژها و همچنین همکاری گسترده ایران با آژانس را اعلام کرده بود. همچنین در اسفندماه ۱۳۸۶، گزارش آژانس مبنی بر افزایش همکاری ایران با آژانس و عدم وجود شواهد دال بر نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران منتشر شده بود، اما به رغم وجود فضای خوش‌بینی و امیدوارکننده، شهروندان تهرانی نظر قاطعی در خصوص احتمال صدور سومین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران نداشتند. هرچند حدود ۳۶ درصد شهروندان تهرانی احتمال کمی می‌دادند که این قطعنامه صادر شود، در مقابل نزدیک به ۳۱ درصد پاسخ‌گویان احتمال صدور قطعنامه سوم را زیاد ارزیابی کرده بودند. حدود ۲۴ درصد پاسخ‌گویان نیز تا حدودی احتمال می‌دادند چنین قطعنامه‌ای صادر خواهد شد.

جدول (۹): پیش‌بینی شهروندان تهرانی در خصوص تحولات و سرانجام پرونده هسته‌ای

درصد	گویه							
۱۳/۱	به شورای امنیت خواهد رفت و ایران تحریم خواهد شد.						بهمن ۱۳۸۴	پیش‌بینی آینده پرونده هسته‌ای ایران
۴۳/۶	به شکلی مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهد شد.							
۹	به درگیری نظامی بین ایران و امریکا منجر خواهد شد.							
۱۷/۲	به همین شکل تداوم خواهد یافت.							
۱۷/۲	نمی‌دانم							
۱۰۰	کل						اردیبهشت ۱۳۸۵	
۷۴/۸	به شکل مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهد شد.							
۲۰/۸	به تحریم اقتصادی ایران منجر می‌شود.							
۴/۶	بی‌پاسخ							
۱۰۰	کل							
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	خیلی نگران‌کننده	نگران‌کننده	بینابین	امیدوارکننده	خیلی امیدوارکننده	اسفندماه ۱۳۸۶	ارزیابی از آینده پرونده هسته‌ای ایران	
۲/۷	۵/۴	۱۳/۹	۲۰/۸	۴۹/۲	۷/۹		احتمال صدور قطعنامه سوم علیه ایران در شورای امنیت	
نمی‌دانم/بی‌پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم			
۹/۹	۶/۸	۲۳/۹	۲۳/۷	۲۱/۸	۱۳/۹			

صدور بیانیه تهران یکی از رخداد‌های دیپلماتیک مهم در پرونده هسته‌ای بود، اما نتایج نظرسنجی خردنامه ۱۳۸۹ نشان می‌دهد اکثریت شهروندان تهرانی (۶۶/۱ درصد) در خصوص این بیانیه اظهار بی‌اطلاعی کرده بودند. از میان کسانی که از این بیانیه اطلاع داشتند نیز ۴۴/۵ درصد (برابر ۱۵/۱ درصد کل نمونه) بر این باور بودند که این بیانیه تأثیر کمی در حل پرونده هسته‌ای ایران خواهد داشت. در حالی که تنها ۲۸/۲ درصد پاسخ‌گویانی که از این بیانیه اطلاع داشتند (برابر ۹/۶ درصد کل نمونه) تأثیر این بیانیه در حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران را زیاد ارزیابی کرده بودند. لازم به ذکر است تنها نزدیک به ۲۳ درصد پاسخ‌گویان از مفاد اصلی بیانیه تهران اطلاع داشتند. علاوه بر این، اکثریت شهروندان تهرانی (نزدیک به ۴۷ درصد) بر این باور بودند که کشورهای ترکیه و برزیل برای تأمین منافع هسته‌ای ایران چندان قابل اعتماد نیستند و تنها ۱۴ درصد پاسخ‌گویان گفته بودند که برای تأمین منافع هسته‌ای ایران می‌توان به میزان زیادی به این دو کشور اعتماد کرد. این آمارها نشان می‌دهد مهم‌ترین ابتکار دیپلماتیک قبل از ورود به مذاکرات با ۱+۵ در دولت یازدهم، مورد توجه و اعتماد مردم قرار نگرفته است. نظرسنجی‌های اردیبهشت‌ماه و اسفندماه ۱۳۸۶، دیدگاه پاسخ‌گویان در خصوص میزان اعتماد آن‌ها به توانایی دولت برای حل بحران هسته‌ای را بررسی می‌کنند. بیش از ۵۲ درصد شهروندان تهرانی در

نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ اعتماد زیادی به توانایی دولت در حل پرونده هسته‌ای داشته‌اند و حدود ۲۳ درصد نیز اعتمادشان کم بوده است. نظرسنجی اسفندماه ۱۳۸۶ نشان می‌داد از نسبت هر دو گروه کاسته شده و به نسبت افرادی که ارزیابی میانه‌ای از توان دولت در حل پرونده هسته‌ای داشتند افزوده شده بود. نسبت افرادی که چنین دیدگاهی داشتند از ۱۵ درصد در نظرسنجی اردیبهشت ماه به نزدیک به ۲۹ درصد در نظرسنجی اسفندماه افزایش یافته بود. به عبارت دیگر، از نگرش‌های خوش بینانه و بدبینانه نسبت به توانایی دولت در زمینه پرونده هسته‌ای کاسته شده و نگرش‌های میانه گسترش یافته بود.

جدول (۱۰): ارزیابی شهروندان از اقدامات دولت دهم در زمینه پرونده هسته‌ای

سال	زیاد	تا حدودی	کم	بی پاسخ / نمیدانم
اردیبهشت ۱۳۸۶	۵۵/۷	۱۴/۶	۱۶/۲	۱۳/۴
میزان تأثیر پیشرفت‌های اخیر در دستیابی نهایی کشور به انرژی هسته‌ای				
خرداد ۱۳۸۹	۲۸/۲	۲۴/۲	۴۴/۵	۳
میزان تأثیر بیانیه تهران در حل مسئله هسته‌ای ایران				
خرداد ۱۳۸۹	۱۴	۱۶/۴	۴۶/۸	۲۲/۸
میزان قابل اعتماد بودن کشورهای ترکیه و برزیل به عنوان تأمین کننده منافع هسته‌ای ایران				

جدول (۱۱): میزان اعتماد شهروندان تهرانی به توانایی دولت دهم برای حل بحران هسته‌ای کشور

	اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۶	اسفندماه ۱۳۸۶
زیاد	۵۲/۳	۴۹/۱
تا حدودی	۱۵/۱	۲۸/۸
کم	۲۳/۱	۱۹/۶
بی پاسخ	۹/۴	۲/۵
کل	۱۰۰	۱۰۰/۰

نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۷ نشان می‌دهد بیش از ۴۵ درصد پاسخ‌گویان عملکرد دولت در پرونده هسته‌ای را به میزان زیادی موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده بودند. ارزیابی شهروندان تهرانی از عملکرد دولت در زمینه پرونده هسته‌ای در خرداد ۱۳۸۹ کاملاً معکوس می‌شود، به گونه‌ای که ۴۱ درصد پاسخ‌گویان موفقیت کمی برای دولت در این پرونده قائل بوده و در مقابل، تنها ۲۲ درصد شهروندان گفته بودند دولت موفقیت زیادی در پرونده هسته‌ای داشته است.

تغییر نگرش شهروندان در خصوص عملکرد دولت در زمینه پرونده هسته‌ای را می‌توان بر اساس تحولات این پرونده توضیح داد. بسته‌های پیشنهادی میان ایران و گروه ۵+۱ در اردیبهشت و خرداد قبل از نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۷ رد و بدل شده بود و مهم‌تر از آن نخستین دور مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ تحت عنوان مذاکرات «ژنو ۱» در ۲۰ تیرماه ۱۳۸۷ آغاز شده بود. وقوع این تحولات در آستانه اجرای نظرسنجی مرداد ۱۳۸۷ را می‌توان از جمله عوامل تأثیرگذار در نگرش مثبت شهروندان تهرانی در خصوص عملکرد هسته‌ای دولت در نظر گرفت. روند تحولات در فاصله زمانی بین نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۷ و خردادماه ۱۳۸۹ بیشتر به سمت تخاصم و رویارویی پیش رفته بود. شورای امنیت در این فاصله زمانی سه قطعنامه علیه ایران صادر کرده و مذاکرات حدود ۸ ماه متوقف شده بود. مهم‌ترین تحول، صدور بیانیه ۱۹۲۹ در ۱۹ خرداد و پس از آن وقفه ۸ ماهه در مذاکرات بود. این قطعنامه بر مفاد قطعنامه‌های قبلی تأکید کرده و تحریم‌های جدیدی پیش‌بینی کرده بود. آمریکا و کشورهای اروپایی نیز تحریم‌های جداگانه‌ای را علیه ایران وضع کرده و تلاش‌هایی را در جهت همسوکردن کشورهای دیگر علیه ایران به کار بستند. این تحول نشان می‌دهد اعتماد به مدیران پرونده هسته‌ای ایران در دولت دهم رو به کاهش بوده است. اگرچه نظرسنجی درباره اعتماد به تیم مذاکرات در فاصله ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ در دست نیست اما می‌توان برآورد کرد که بر اثر تشدید تحریم‌ها و آشکارتر شدن تأثیرات حل نشدن پرونده هسته‌ای، میزان اعتماد بیش از آنچه در خرداد ۱۳۸۹ مشاهده می‌شود کاهش یافته است.

نظرسنجی مردادماه ۱۳۹۲ هم‌زمان با روی کار آمدن دولت یازدهم و حدود یک ماه و نیم قبل از مذاکرات ژنو ۴ اجرا شده است. ۵۰ درصد پاسخ‌گویان اعتماد زیادی به توانایی آقای روحانی در زمینه حل مشکلات ناشی از پرونده هسته‌ای داشتند. حدود ۳۰ درصد گفته بودند تا حدودی به ایشان اعتماد دارند و نزدیک به ۲۰ درصد گفته بودند اعتماد کمی به توانایی ایشان در رفع مشکلات ناشی از پرونده هسته‌ای دارند.

جدول (۱۲): ارزیابی شهروندان تهرانی از میزان موفقیت دولت دهم در حل پرونده هسته‌ای ایران

مرداد ۸۷	خرداد ۸۹	
۴۵/۲	۲۲/۱	زیاد
۲۸/۷	۱۴/۸	تا حدودی
۲۱/۱	۴۱	کم
۵/۱	۲۲/۲	نمی‌دانم/ بی‌پاسخ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

همچنین کمتر از یک سال پس از نظرسنجی فوق، نظرسنجی در اردیبهشت ۱۳۹۳ همچنان نشان‌دهنده اعتماد اکثریت شهروندان تهرانی به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران بود. این مطالعه اولین نظرسنجی پس از امضای توافقنامه ژنو بود.

جدول (۱۳): میزان اعتماد شهروندان تهرانی به توانایی دولت آقای روحانی برای حل بحران هسته‌ای کشور

سال	کم	تا حدودی	زیاد	بی پاسخ
مرداد ۱۳۹۲	۱۹/۵	۲۹/۷	۴۹/۶	۱/۲
اردیبهشت ۱۳۹۳	۲۸/۵	۲۵	۴۵/۴	۱/۲

جدول (۱۴): ارزیابی شهروندان از عملکرد دولت آقای روحانی در زمینه پرونده هسته‌ای (آبان ماه ۱۳۹۲)

عملکرد دولت یازدهم	خوب	متوسط	ضعیف	بی پاسخ
مذاکرات هسته‌ای با حفظ حقوق مردم ایران	۶۵/۷	۱۷/۴	۱۴/۹	۲/۰

نظرسنجی آبان ۱۳۹۲ نشان می‌داد ۶۶ درصد شهروندان تهرانی عملکرد دولت یازدهم در زمینه مذاکرات هسته‌ای همراه با حفظ حقوق مردم ایران را خوب ارزیابی کرده بودند و فقط ۱۵ درصد پاسخ‌گویان، عملکرد دولت در این زمینه را ضعیف ارزیابی می‌کردند. مقایسه این نتایج با یافته‌های نظرسنجی‌های مردادماه ۸۷ و خردادماه ۸۹ درخصوص ارزیابی شهروندان از عملکرد دولت نهم و دهم نشان می‌دهد با روی کار آمدن دولت روحانی، روند نزولی نگرش شهروندان تهرانی در خصوص عملکرد دولت در زمینه پرونده هسته‌ای متوقف شده و به میزان قابل توجهی بهبود یافته بود. نسبت شهروندانی که موفقیت زیادی برای دولت در پرونده هسته‌ای قائل بودند در دولت‌های نهم و دهم از ۴۵/۲ درصد در مردادماه ۱۳۸۷ به ۲۲/۱ درصد در خردادماه ۱۳۸۹ کاهش یافته بود اما نسبت این افراد در دولت یازدهم در نظرسنجی آبان‌ماه ۱۳۹۲ به ۶۵/۷ درصد افزایش یافته است.

نتایج نظرسنجی مهرماه ۱۳۹۲ نشان می‌دهد نزدیک به ۵۹ درصد شهروندان تهرانی امیدواری زیادی به حل پرونده هسته‌ای ایران همراه با حفظ حقوق هسته‌ای کشور داشتند. مهم‌ترین رویداد سیاست خارجی و هسته‌ای قبل از انجام این نظرسنجی، گفت‌وگوی تلفنی میان حسن روحانی و باراک اوباما و گفت‌وگوی مستقیم محمدجواد ظریف و جان کری وزیر خارجه آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای ایران بود که پس از وقفه طولانی مدت در مذاکرات و همچنین حاکم شدن فضای رویارویی به جای تعامل میان

طرفین درگیر در پرونده هسته‌ای، باعث خوش‌بینی و امیدواری پاسخ‌گویان به حل و فصل مسألت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران شده بود. نظرسنجی‌های بعدی نشان داد هرچند فضای خوش‌بینی و امیدواری در میان شهروندان تهرانی حاکم بوده اما میزان آن کاهش یافته بود.

جدول (۱۵): امیدواری شهروندان تهرانی نسبت به حل پرونده هسته‌ای ایران با حفظ حقوق هسته‌ای کشور

مهر ۱۳۹۲	آبان ۱۳۹۲	اردیبهشت ۱۳۹۳	
۵۸/۶	۴۸/۴	۴۲/۱	زیاد
۱۸/۴	۱۸/۸	۲۵/۳	متوسط
۲۱/۷	۳۱/۵	۳۱/۶	کم
۱/۳	۱/۳	۱/۰	بی‌پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

جدول (۱۶): دیدگاه شهروندان تهرانی در خصوص مهم‌ترین دلیل عدم پیشرفت مذاکرات وین (اردیبهشت ۱۳۹۳)

تعداد	درصد	درصد معتبر	
۳۰۱	۲۹/۹	۳۱/۳	فشار برخی جریانات سیاسی داخل کشور
۲۲۱	۲۲/۰	۲۲/۹	فشار لابی صهیونیستی
۱۸۲	۱۸/۱	۱۸/۹	دخالت آمریکا
۱۴۷	۱۴/۶	۱۵/۳	زیاده‌خواهی گروه‌های +۵
۹۶	۹/۵	۱۰/۰	ضعف تیم مذاکره‌کننده ایران
۱۶	۱/۶	۱/۷	سایر موارد
۴۳	۴/۳	-	بی‌پاسخ
۱۰۰۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

کاهش امیدواری بین شهروندان تهرانی شاید نتیجه این بوده که روند واقعی تحولات پرونده هسته‌ای با انتظار ذهنی آن‌ها از سرعت این تحولات مطابقت نداشته است. به رغم شیب تند اولیه، این تحولات به ویژه گفت‌وگوهای مستقیم با آمریکا در سطح ریاست جمهوری و وزیر امور خارجه در شهریورماه و مهرماه، مذاکرات ژنو در ۱۶ آبان‌ماه، بدون توافق خاصی به پایان رسیده بود. ادامه روند کاهش‌ی امیدواری شهروندان تهرانی در نظرسنجی اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ را نیز می‌توان نتیجه عدم توافق بر متن «برنامه جامع همکاری‌های هسته‌ای» دانست. دور چهارم مذاکرات هیئت ایرانی به ریاست آقای ظریف

با نمایندگان اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه در روزهای ۲۳ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ (یعنی حدود ۳ روز قبل از اجرای نظرسنجی)، به رغم موفقیت دولت یازدهم در امضای توافقنامه ژنو در ۳ آذرماه ۱۳۹۲، بدون توافق بر سر متن «برنامه جامع همکاری‌های هسته‌ای» به پایان رسید. نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۹۳ نیز نشان می‌داد مهم‌ترین دلیل عدم پیشرفت مذاکرات در این مقطع زمانی از نظر ۳۱/۳ درصد پاسخ‌گویان، فشار برخی جریانات سیاسی داخلی است. دلایل دیگری نظیر فشار لابی صهیونیستی (۲۲/۹ درصد)، دخالت آمریکا (۱۸/۹ درصد)، زیاده‌خواهی گروه ۵+۱ (۱۵/۳ درصد) و ضعف تیم مذاکره‌کننده ایرانی (۱۰ درصد) بیان شده بود.

توافقنامه هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ به امضا رسید. اولین نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران درباره پرونده هسته‌ای در ۱۵ مرداد ۱۳۹۴ و تقریباً یک ماه بعد از حصول توافق انجام شده است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌داد فقط ۱۳/۹ درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در راستای منافع ملی ایران و مصالح مردم عمل نکرده است. ۶۴/۹ درصد پاسخ‌گویان توافق هسته‌ای را زیاد و خیلی زیاد در راستای منافع مردم تلقی کرده و ۲۱/۳ درصد نیز آن را در حد متوسط در راستای منافع ملی و مصالح مردم می‌دانستند.

سؤال درباره توافق هسته‌ای به صورت صریح‌تری نیز پرسیده شده است: «آیا توافق هسته‌ای به دست آمده را به نفع ملت ایران می‌دانید؟» ۶۷/۱ درصد پاسخ‌گویان پاسخ بله، و ۱۴/۶ درصد پاسخ خیر را برگزیده و ۱۸/۳ درصد نیز گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده بودند. ۷۷/۷ درصد مذاکرات و رفتار تیم مذاکره‌کننده را عزتمندانه تلقی کرده بودند و فقط ۱۱/۱ درصد آن را عزتمندانه نمی‌دانستند. ۱۵/۶ درصد پاسخ‌گویان توافق حاصل‌شده را مطابق خواست و میل آحاد مردم ایران نمی‌دانستند اما بقیه به عکس آن معتقد بودند. پاسخ‌گویان میزان اهمیت مذاکرات هسته‌ای در حفظ حقوق مردم را بسیار زیاد می‌دانستند. ۸۸/۴ درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند مذاکرات برای حفظ حقوق مردم بسیار مهم بوده است و فقط ۱۱/۷ درصد مذاکرات را معمولی یا بی‌اهمیت می‌خواندند. ۱۲ درصد نیز عملکرد مذاکرات توأم با حفظ حقوق مردم را ضعیف ارزیابی می‌کردند، اما ۸۸ درصد نظری عکس آن داشته‌اند. ۸۶/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز انجام مذاکره و رسیدن به توافق را تأیید می‌کرده‌اند.

آخرین نظرسنجی انجام‌شده در مردادماه ۱۳۹۵، یک سال بعد از امضای توافقنامه برجام و هشت ماه پس از اجرایی شدن برجام، وجه دیگری از سرمایه اجتماعی و اعتماد خلق‌شده در جریان پرونده هسته‌ای و سیاست خارجی دولت را نشان می‌دهد. این نظرسنجی که در سطح ملی و با حجم نمونه ۴۳۸۸ نفر انجام شده است نشان می‌دهد ۳۴ درصد افراد معتقدند برجام فایده‌ای نداشته است، اما بقیه قائل به این بوده‌اند که برجام تا همین زمان نیز برای کشور فواید مشهود داشته (۱۵/۷ درصد) و بقیه به آشکار شدن فواید برجام معتقد بوده‌اند (۴۸/۷ درصد)، درصد بسیار اندکی نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. دو سوم

جمعیت نمونه قائل به فایده‌مندی برجام برای منافع ملی هستند و این میزان به رغم وجود فضای انتقادی برخی رسانه‌ها علیه برجام بسیار قابل توجه است. به رغم آنکه انتقادات بسیار زیادی در فضای رسانه‌ای علیه برجام طرح شده و منتقدان تدریجاً دولت از عباراتی نامتعارف و غیرمنصفانه نیز علیه آن استفاده کرده‌اند، اما جالب توجه است که در نظرسنجی مردادماه ۱۳۹۵ فقط ۲/۲۲ درصد پاسخ‌گویان خواستار عدم پایبندی ایران به تعهداتش شده‌اند. این بدان معناست که اکثریت قاطع مردم برجام را به نفع منافع ملی دانسته و خواستار پایبندی به اجرای آن بوده‌اند. عمده‌ترین سیاست و برنامه دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی معطوف به برجام بوده و مردم بیشترین قضاوت خود درباره عملکرد سیاست خارجی را در برجام مشاهده می‌کنند. برجام نیروی محرکه سیاست خارجی دولت یازدهم بوده است. نگاه مردم به سیاست خارجی دولت یازدهم، بازتابی از ادراک ایشان از برجام نیز هست. ۷/۸۰ درصد پاسخ‌گویان نظرسنجی اوایل مرداد ۱۳۹۵، اهمیت زیاد و خیلی زیاد برای روابط خارجی قائل شده‌اند.

جمع‌بندی نتایج نظرسنجی‌ها

نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد همراه با تحولات فزاینده پرونده هسته‌ای ایران، پیگیری اخبار این پرونده توسط شهروندان تهرانی روندی صعودی داشته است. نسبت کسانی که اخبار پرونده هسته‌ای را زیاد یا تا حدودی پیگیری می‌کردند، از ۶۶/۸۱ درصد در نظرسنجی بهمن ۱۳۸۴ به ۶۷/۸۱ درصد در نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ افزایش پیدا کرده بود.

همچنین، در همه نظرسنجی‌های انجام‌شده اکثریت شهروندان تهرانی بر ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای تأکید کرده بودند، اما نگرش شهروندان تهرانی در این خصوص تحت تأثیر تحولات پرونده هسته‌ای، همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده است. در نظرسنجی مرداد ۱۳۸۳ که در فاصله زمانی کوتاهی پس از ادعاهای آژانس مبنی بر وجود نشانه‌هایی از اورانیوم غنی‌شده به میزانی فراتر از سطح لازم برای تولید غیرنظامی انرژی هسته‌ای و همچنین اظهارات برخی دیپلمات‌های غربی در خصوص تلاش ایران برای تهیه برخی قطعات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای از بازار سیاه، از نسبت افرادی که بر ضرورت دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای تأکید کرده بودند، کاسته شده بود.

دیدگاه شهروندان در خصوص مقاصد و اهداف فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز متأثر از تحولات پرونده هسته‌ای بوده، اما بیشتر پاسخ‌گویان، طرفدار اهداف صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای بوده‌اند. روند صعودی موفقیت ایران در اقتناع افکار عمومی به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای تا اردیبهشت ۱۳۸۵ ادامه داشت، به گونه‌ای که درصد افراد معتقد به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران از حدود ۴۰ درصد در مرداد ۱۳۸۳ به ۵۳ درصد در اردیبهشت ۱۳۸۵ افزایش یافته بود، اما در نظرسنجی اردیبهشت

۱۳۸۶، این روند متوقف شده و جهت آن معکوس می‌شود. به گونه‌ای که از نسبت افراد معتقد به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران کاسته شده و به نسبت گروه دیگر که معتقد به نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران بودند، افزوده شده بود.

یافته‌های نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد شروع بحران پرونده هسته‌ای همراه با اظهار نگرانی زیاد شهروندان تهرانی در خصوص پیامدهای احتمالی این پرونده و تأثیر آن بر اوضاع داخلی بوده است. اما با گذشت زمان از میزان نگرانی‌های شهروندان تهرانی کاسته شده بود، هرچند که به تناسب تحولات این پرونده، نگرانی‌ها نیز همراه با افت و خیز بوده است. هر گاه فضای همکاری بین طرف‌های درگیر پرونده غلبه داشته، میزان نگرانی‌ها کاهش یافته و در مقاطع دیگر که رویارویی‌ها بیشتر محسوس بوده، با افزایش نگرانی‌ها همراه بوده است. صدور دو قطعنامه شورای امنیت در خصوص تعلیق و سپس تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین تحریم صنایع هسته‌ای و موشکی از یک سو و تأکید ایران بر ادامه فعالیت‌های هسته‌ای با اعلام دستیابی به غنی‌سازی صنعتی از سوی دیگر، باعث افزایش نگرانی‌های شهروندان تهرانی در نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۸۶ بوده است.

نتایج نظرسنجی‌های ایسپا همچنین نشان می‌دهد هرچند اکثریت پاسخ‌گویان خواهان پافشاری مسئولان بر منافع ملی و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای هستند، اما با افزایش شدت پیامدهای احتمالی پرونده هسته‌ای همچون تحریم و حمله نظامی، آمادگی مردم برای پذیرش و تحمل این پیامدها کمتر شده است. تأکید مردم بر ادامه فعالیت‌های هسته‌ای نیز با شدت گرفتن پیامدهای احتمالی پرونده هسته‌ای کاهش یافته است. شدت گرفتن تهدیدها - از تحریم اقتصادی تا جنگ همه‌جانبه علیه ایران - از درصد کسانی که گزینه پافشاری بر گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را انتخاب کرده بودند، کاسته و به درصد گروه دیگر که انعطاف در برابر خواسته‌های غرب را ترجیح داده بودند، افزوده شده بود. یافته‌های دیگر این نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد هم در زمان مطرح‌شدن امضای پروتکل الحاقی و هم پس از صدور دو قطعنامه شورای امنیت مبنی بر تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تحریم صنایع هسته‌ای و موشکی، اکثریت شهروندان تهرانی خواهان ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن شرایط و تأمین خواسته‌های جامعه جهانی بوده‌اند.

نتایج در خصوص واکنش مناسب ایران به خواسته‌های مجامع بین‌المللی و واکنش مناسب ایران به تهدیدهای جهانی، نشان می‌دهد تا هنگامی که فضای تعامل و همکاری و همچنین مطرح‌شدن خواسته‌های معقول جهانی مطرح باشد، اکثریت پاسخ‌گویان خواهان ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن شرایط و خواسته‌های جامعه جهانی هستند، اما هنگامی که فضای حاکم بر مناسبات پرونده هسته‌ای به سمت تهدید و فشارهای جهانی پیش برود، اکثریت پاسخ‌گویان، گزینه پافشاری بر منافع و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای و عدم انعطاف در برابر خواسته‌های کشورهای

غربی را به مسئولان پیشنهاد می‌کنند. این در واقع بیانگر دیدگاه غالب در میان مسئولان ارشد نظام و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران است.

گرایش شهروندان تهرانی به مذاکره مبتنی بر احترام و تکریم متقابل را در ارزیابی شهروندان از عملکرد هسته‌ای دولت نیز می‌توان مشاهده کرد. رد و بدل شدن بسته‌های پیشنهادی میان ایران و گروه ۵+۱ و مهم‌تر از آن نخستین دور مذاکرات ایران با این گروه در ماه‌های قبل از نظرسنجی مردادماه ۱۳۸۷، تأثیر مثبتی بر ارزیابی شهروندان تهرانی از عملکرد هسته‌ای دولت نهم گذاشته بود، به گونه‌ای که اکثریت پاسخ‌گویان عملکرد دولت در این زمینه را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده بودند. فضای مخاصمه‌آمیز و مبتنی بر رویارویی ناشی از صدور سه قطعنامه شورای امنیت به ویژه صدور بیانیه ۱۹۲۹ پس از وقفه هشت ماهه در مذاکرات با تأکید بر مفاد قطعنامه‌های قبلی و پیش‌بینی تحریم‌های جدید و همچنین تحریم‌های جداگانه از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی و تلاش آن‌ها برای هم‌سو کردن کشورهای دیگر در جهت اعمال فشار بر ایران، نگرش منفی شهروندان تهرانی را در خصوص عملکرد هسته‌ای دولت دهم در نظرسنجی خردادماه ۱۳۸۹ را به همراه داشت، به گونه‌ای که اکثریت شهروندان تهرانی عملکرد دولت در این زمینه را ناموفق ارزیابی کرده بودند.

روی کار آمدن دولت یازدهم و تأکید بر مذاکره به عنوان راه حل پرونده هسته‌ای و به ویژه مذاکرات مستقیم ایران با مقامات آمریکایی و برگزاری نشست ژنو ۱ پس از وقفه طولانی مدت مذاکرات هسته‌ای، ارزیابی شهروندان تهرانی از عملکرد هسته‌ای دولت به میزان بسیاری زیادی بهبود یافت. آخرین نظرسنجی در دولت دهم در خردادماه ۱۳۸۹ نشان می‌دهد تنها حدود ۲۲ درصد شهروندان، عملکرد هسته‌ای دولت دهم را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده بودند، اما نظرسنجی آبان ۱۳۹۲ حاکی از آن است که اکثریت پاسخ‌گویان (نزدیک به ۶۶ درصد)، عملکرد دولت آقای روحانی در زمینه مذاکرات هسته‌ای همراه با حفظ حقوق مردم ایران را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده بودند.

روی کار آمدن دولت یازدهم خوشبینی و امیدواری زیادی را در خصوص حل و فصل پرونده هسته‌ای همراه با حفظ حقوق مردم ایران به همراه داشته، اما امیدواری شهروندان نسبت به حل و فصل مسأله سلامت‌آمیز پرونده هسته‌ای به تدریج روندی نزولی به خود می‌گیرد. این روند نزولی می‌تواند نتیجه عدم تطابق روند واقعی تحولات پرونده هسته‌ای با خوش‌بینی اولیه افراد و انتظار آن‌ها از سرعت تحولات پرونده باشد. کاهش امیدواری شهروندان بیش از آنکه ناشی از عملکرد دولت باشد، ناشی از برخی کارشکنی‌ها در روند مذاکرات بوده است. نظرسنجی اردیبهشت ۱۳۹۳ نشان می‌دهد شهروندان تهرانی مهم‌ترین دلیل عدم پیشرفت مذاکرات هسته‌ای را فشارها و کارشکنی‌های برخی جریان‌های سیاسی داخلی عنوان کرده و عوامل دیگری همچون فشار لابی صهیونیستی و دخالت آمریکا در مراتب بعدی اهمیت قرار گرفته بودند. ضعف تیم مذاکره‌کننده ایرانی به عنوان آخرین دلیل عنوان شده و تنها ۱۰ درصد پاسخ‌گویان به آن

اشاره کرده بودند. بر خلاف اعلام دلواپسی برخی جریان‌های داخلی در خصوص مذاکرات هسته‌ای، اکثریت شهروندان تهرانی به نتایج مذاکرات امیدوار بوده و دلواپسی آن‌ها بیشتر ناشی از کارشکنی‌ها و فشارهای برخی جریان‌های داخلی است. اکثریت پاسخ‌گویان (بیش از ۶۰ درصد) بر ضرورت مراجعه به افکار عمومی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به پرونده هسته‌ای تأکید داشته‌اند و مردم به رغم پیچیدگی‌های تخصصی پرونده خود را صاحب حق در تعیین سرنوشت پرونده تلقی می‌کرده‌اند.

یافته‌های نظرسنجی‌ها به ما امکان می‌دهد نتایج تحلیل آن‌ها را در محورهای زیر خلاصه کنیم:

۱. جمهوری اسلامی ایران در قانع کردن افکار عمومی خود در زمینه صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای و رفتار تبعیض‌آمیز غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موفق بوده است. اکثریت شهروندان نیز بر این باور بوده‌اند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران باید در زمینه‌های علمی و صلح‌آمیز باشد و از نظر آن‌ها در حال حاضر نیز ایران به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است.

۲. اکثریت پاسخ‌گویان بر دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و گسترش این فعالیت‌ها با در نظر گرفتن شرایط جهانی و مورد توجه قرار دادن خواسته‌های مجامع بین‌المللی تأکید داشته‌اند.

۳. شدت گرفتن تهدیدهای احتمالی - از تحریم اقتصادی تا حمله نظامی به ایران - آمادگی شهروندان برای پذیرش و تحمل این پیامدها را به طرز معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد و میزان باور به ضرورت انعطاف داخلی در برابر خواسته‌های مجامع بین‌المللی افزوده می‌شده است.

۴. رویکرد مطلوب افکار عمومی در خصوص پرونده هسته‌ای مذاکراه‌مبته‌ای بر احترام و تکریم متقابل است و ارزیابی شهروندان از عملکرد هسته‌ای دولت به میزان زیادی متأثر از میزان موفقیت دولت در اجتناب از رویارویی با جامعه جهانی و حرکت به سمت همکاری متقابل و مذاکره با قدرت‌ها و مجامع بین‌المللی است.

۵. روی کار آمدن دولت یازدهم خوش‌بینی و امیدواری شهروندان تهرانی به حل و فصل پرونده هسته‌ای همراه با تأمین منافع ملی را بیشتر کرده است. شهروندان همچنین از فشارها و کارشکنی‌های برخی جریان‌های داخلی در روند پیشرفت مذاکرات هسته‌ای اظهار نگرانی کرده‌اند.

۶. برجام به عنوان دستاورد بزرگ دولت به رسمیت شناخته شده است. چنانکه پیش‌تر آمد، ۸۸/۴ درصد پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند مذاکرات برای حفظ حقوق مردم بسیار مهم بوده و فقط ۱۱/۷ درصد مذاکرات را معمولی یا بی‌اهمیت می‌خواندند. آخرین نظرسنجی انجام‌شده در مردادماه ۱۳۹۵، یک سال بعد از امضای توافقنامه برجام و هشت ماه پس از اجرایی‌شدن برجام و در حالی که فضای رسانه‌ای از سوی مخالفان برجام به شدت علیه این توافقنامه تشدید شده، دو سوم پاسخ‌گویان قائل به فایده‌مندی برجام برای منافع ملی بوده‌اند و فقط ۲۲/۲ درصد پاسخ‌گویان خواستار عدم پایبندی ایران به تعهداتش شده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران به طور کلی و دولت یازدهم به طور خاص در جریان مذاکرات هسته‌ای منجر به توافقنامه برجام، توانسته‌اند برای خود سرمایه اجتماعی خلق کنند. برجام توافقنامه‌ای است که گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر و طولانی درباره یکی از موضوعات مهم سیاست خارجی را برانگیخت و پس از این دوران با برداشتی مناسب در بین مردم مواجه شد. اگر حمایت اجتماعی برآمده از گفت‌وگوی اجتماعی میان ایرانیان وجود نمی‌داشت، هرگز نیروی اجتماعی لازم برای به سرانجام رسیدن برجام شکل نمی‌گرفت.

برجام به مثابه مدل حل مسئله

دستاورد دیگری از برجام را که می‌توان ذیل بعد اجتماعی آن تحلیل کرد به معرفی برجام به مثابه مدل حل مسئله ارتباط دارد. جامعه ایران با شکلی از حل مسئله که پیش‌تر سابقه نداشته و اتفاقاً برای حل سایر مسائلی به آن نیاز دارد رسیده است. برجام شکلی از پرداختن به مسئله است که در مسائل بدخیم^۱ رایج است. مسئله‌ای بدخیم خوانده می‌شود که ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. هیچ صورت‌بندی مشخصی از یک مسئله بدخیم وجود ندارد (اطلاعات لازم برای شناخت مسئله، به ایده متناظر با حل مسئله بستگی دارد). تعریف مسئله، خود مسئله است. ماهیت و دامنه مسئله بستگی به این دارد که آن را با چه کسی مطرح کنیم، یعنی، دست‌اندرکاران مختلف برداشت‌های مختلفی از ماهیت مسئله دارند. عنصری از حقیقت اغلب در هر برداشت از مسئله سیاست‌گذاری وجود دارد. هیچ برداشتی کامل یا به طور قطعی درست یا غلط نیست.

۲. اهدافی در یک مسئله بدخیم گسترده، وجود دارد که به لحاظ درونی با یکدیگر تضاد دارند. برای مثال، برجام هم‌زمان اهدافی نظیر رفع تحریم‌ها و حفظ حقوق هسته‌ای ایران را مد نظر داشته که با اهداف سایر بازیگران که اغلب در قطعنامه‌های شورای امنیت بازتاب یافته، در تعارض است.

۳. مسئله تا زمانی که راه حل آن پیدا نشده، قابل تعریف نیست. کسی نمی‌تواند مسئله را تعریف و بعد آن را حل کند. تعریف مسئله و راه حل‌های آن در مسیری واحد ساخته می‌شوند.

۴. راه حل مسائل بدخیم، درست یا غلط نیستند، بلکه خوب یا بد هستند. درست یا غلط بودن راه کارهای رفع مسائل بدخیم در یک نظام ارزشی تعریف می‌شوند و به همین ترتیب، از جنس خوب و بد هستند. این مسائل عمیقاً اجتماعی‌اند و از این رو بار ارزشی دارند.

۵. دنبال کردن رویکردهای مبتنی بر «حل» یا «تعیین» مسئله ممکن است باعث شود سیاست‌گذاران براساس فرضیه‌های ناموجه و نامطمئن عمل و انتظارات نامعقولی ایجاد کنند. در چنین مواردی، پرداختن به اینکه چگونه می‌توان به بهترین وجه چنین مسائلی را مدیریت کرد، می‌تواند مفیدتر

1. wicked problems

- باشد. برجام نیز راه‌کاری از همین جنس است. برجام راهی برای مدیریت پرونده هسته‌ای ارائه کرده است.
۶. آزمون صریحی برای ارزیابی پیامدهای یک راه حل وجود ندارد. موجی از پیامدها در پس هر راه‌حلی خوابیده است. رخدادهای پس از برجام نشان داد واکنش‌های همه بازیگران به این راه‌کار متفاوت است. هیچ کس قادر نیست همه پیامدهای ممکن را پیش‌بینی کند.
۷. فرصت برای آزمون و خطا وجود ندارد. هر بار تلاش برای حل مسئله، پیامدهای سنگین دارد. تحلیل‌گران به سختی می‌توانند پیامدهایی نظیر احتمال وقوع درگیری نظامی بر سر مسئله پرونده هسته‌ای را به کلی رد کنند و همگان می‌دانند عواقب چنین رخدادی برای همه سنگین و سهمگین خواهد بود. کنار نهادن برخی توان‌مندی‌های هسته‌ای نیز برای ایران سنگین بوده و به همین ترتیب غرب نیز با دادن برخی امتیازات و در صورت نرسیدن به برخی خواسته‌هایش، هزینه سنگینی می‌پردازد.
۸. مجموعه مشخصی از راه‌کارها در میان نیست. مجموعه راه‌کارهای ممکن در تعامل بررسی می‌شوند و کاریست آن‌ها نیز تابع قواعد الزاماً مشخصی نیست. این نکته بسیار مهمی است که برجام به مثابه متن که ۱۵۹ صفحه است، حاصل کاریست فنون مذاکره، توان‌مندی‌های مذاکره‌کنندگان در جریان مذاکرات، روش‌های مدیریت سیاست داخلی و بسیاری امور دیگر است. بند بند برجام بر اساس مذاکره و متغیرهای زیاد تعیین یافته است.
۹. هر مسئله تقریباً منحصر به فرد است و از این رو انتقال راه‌حل‌ها، الزاماً درست نیست. مسیر طی شده در جریان برجام به همان طریق الزاماً قابل تعمیم به سایر مسائل نیست.
۱۰. سطح مسئله بیشتر به تحلیل‌گر بستگی دارد تا ذات مسئله و هر مسئله قابل ارجاع به مسئله دیگری است. امروز نیز شاهد هستیم که تحلیل‌گران نگاه‌های کاملاً متعارضی به مسئله هسته‌ای و برجام دارند. مسئله هسته‌ای و برجام نیز از سوی همه بازیگران -از جمله ایران و کشورهای ۱+۵- به مسائل دیگری از جمله تعارضات راهبردی ایران و غرب، رویکرد ایدئولوژیک ایران، مسئله اسرائیل و سایر مسائل ارجاع داده می‌شوند.
- مسائل بدخیم به لحاظ اجتماعی پیچیده هستند. این نتیجه‌گیری کلیدی از ادبیات مربوط به مسائل بدخیم است که نه پیچیدگی فنی مسائل بدخیم، بلکه پیچیدگی اجتماعی آن‌ها بر اکثر رویکردهای کنونی حل مسئله و مدیریت پروژه غلبه می‌کند. راه‌حل‌های مسائل بدخیم معمولاً مستلزم اقدام هماهنگ دست‌اندرکاران نظیر سازمان‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی، مؤسسات اقتصادی خصوصی و افراد است. این مسائل به ندرت به راحتی در محدوده مسئولیت یک سازمان قرار می‌گیرند. پرونده هسته‌ای و برجام نمونه‌ای از چنین مسائلی هستند.
- نکته بسیار مهم این است که جامعه ایران با نمونه‌های بسیار متنوعی از این گونه مسائل مواجه است.

تغییر اقلیم (نیازمند درک مسئله و هماهنگی بین سازمانی)، فرسایش خاک (تحت مالکیت میلیون‌ها مالک خصوصی در شبکه پیچیده‌ای از مسائل)، اصلاح حکم‌رانی آب، اصلاح نظام اداری، توسعه نامتوازن منطقه‌ای و فساد روبه‌روست. همه این‌ها مسائلی بدخیم هستند که درست به مانند تومورهای بدخیم سرطانی، به سایر عرصه‌ها نیز دست‌اندازی کرده و به شدت به جامعه ضربه می‌زنند.

حل مؤثر مسائل بدخیم سیاست‌گذاری با استفاده از روش‌های سنتی به کار رفته در بخش دولتی مشکل یا حتی ناممکن است. تفکر سیاسی سنتی نشان می‌دهد بهترین شیوه حل مسئله سیاسی، پیروی از فرآیند منظم خطی است که در آن کار با پرداختن به مسئله شروع و با یافتن راه حل پایان می‌یابد. فرآیند مذکور معمولاً با درک و تعریف مسئله آغاز می‌شود. این امر مستلزم جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و سایر شواهد و مدارک و مشورت با دست‌اندرکاران است. به محض مشخص شدن مسئله و تجزیه و تحلیل شواهد و آرا و نظرات دست‌اندرکاران، می‌توان گزینه‌ها و یک گزینه ارجح را تعیین کرد. نتایج و برون‌دادها شناسایی، برنامه‌های اجرایی طراحی و اهداف اجرا مشخص می‌شوند. اغلب تصوّر بر این است که هر قدر مسئله پیچیده‌تر باشد، دنبال کردن منظم این جریان مهم‌تر است. آنچه در این رویکرد به حل مسئله مغفول می‌ماند، توجه به بعد اجتماعی، گفتمانی و مشارکت جمعی در رفع مسئله است.

پرونده هسته‌ای به مدت حداقل یک دهه در افکار عمومی جامعه ایرانی رسوخ کرده بود و مجموعه‌ای از عوامل از جمله تحریم‌های بین‌المللی این مسئله را به مسئله اول کشور بدل کرد. تحریم‌ها و پس از آن وارد شدن مسئله پرونده هسته‌ای به انتخابات سال ۱۳۹۲ این مسئله را اجتماعی کرد و بخشی از زندگی روزمره مردم شد. شخصیت‌هایی نظیر محمد جواد ظریف و سایر بازیگران داخلی و خارجی، مسئله پرونده هسته‌ای را همچون یک داستان زندگی واقعی برای مردم ایجاد کردند. مردم ایران قریب بیش از دو سال با پرونده هسته‌ای و در اوج آن زیستند و انتظار حل مسئله با سازوکارهای پیچیده غیرخطی ساخته شد. دیدگاه‌های مختلف و متعارض در داخل کمک کرد تا وجوه بسیار بیشتری از پرونده هسته‌ای آشکار شود، امری که در جریان مذاکرات سعید جلیلی با کشورهای ۱+۵ هرگز رخ نداد و ارائه روایت‌های یگانه از مذاکرات سبب شد مردم از مواجهه با مسئله طفره برون‌دیا به ابعاد مختلف آن آگاه نشوند. برجام در جریان همه این تحولات، عمق پیچیدگی مسائل سیاست خارجی را نشان داد و میزان ساده‌سازی صورت گرفته در دوره قبل مذاکرات آشکار شد. برجام و بالاخص وقایع پس از آن جامعه و سیاستمداران ایرانی را در سطح بالاتری از درک نسبت به رخدادهای بین‌المللی قرار داد. خوش‌بینی‌ها نسبت به پیامدهای برجام خیلی زود رنگ باختند و مخالفان برجام نیز موج اجتماعی حمایت از برجام را درک کرده و دشواری بازگشت به شرایط پیشابرجام را دریافتند.

سخن‌گفتن از مسائل بدخیم پیش روی توسعه جامعه ایران امروز ساده‌تر از ایام پیش از برجام است. امروز مدلی پیش‌روست که توضیح می‌دهد وقتی با مسئله بدخیمی سروکار داریم که همه

سیاست‌گذاری‌های گذشته برای مدیریت آن ناکارآمد بوده‌اند -مسائلی نظیر بحران آب و محیط زیست، رکود تورمی، توسعه نامتوازن منطقه‌ای و فساد- چگونه می‌تواند از منظری اجتماعی به سمت رفع مسئله حرکت کرد.

برجام و تغییر ادراک اجتماعی

هفتادوشش روز از اجرایی شدن برجام گذشته بود که در اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک سیما پرونده ویژه‌ای به گذشت زمان و ملموس نبودن نتایج اجرایی شدن برجام اختصاص یافت. تأکید بر گذشت سریع زمان و بازخواست کردن دولت، آمریکایی‌ها و حامیان توافق هسته‌ای به دلیل آشکارنشدن نتایج اجرای آن محور این برنامه تلویزیونی بود. صرف نظر از اینکه چنین فشاری را سیاسی یا واقعاً از سر نگرانی تلقی کنیم، می‌توان نفس وجود برجام را عامل توجه به عنصر «زمان» دانست. «زمان» که شاید هیچ‌گاه پیش از این اهمیت راهبردی در سیاست ایران نداشته است.

آیا زمان برای ما و بالاخص برای آن‌ها که امروز این گونه بر گذشت زمان و انتظار ملموس شدن نتایج اجرایی شدن برجام تأکید می‌کنند، همواره همین اندازه مهم بوده است؟ پاسخ قطعاً منفی است. شواهد بسیاری داریم که نشان می‌دهد هیچ‌گاه زمان برای آن‌ها این گونه مهم نبوده است. کشورهایی مثل چین، مالزی، کره جنوبی، تایوان، برزیل، هند و ترکیه از اوایل دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ توسعه صنعتی را آغاز کردند. این کشورها وقتی مسیر توسعه را آغاز کردند که زمان به اندازه اکنون فشرده نبود. «فشردگی زمان» بسیار مهم است. رقابت که شدید و تعداد رقبا زیاد می‌شود، زمان معنای دیگری می‌یابد. اکنون گذشت هر روز به معنای فاصله گرفتن غیرخطی توانمندی‌های این کشورها از ماست. ما در ابتدا یا انتهای دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ادراکی از فشرده شدن رقابت‌های توسعه‌ای در مقیاس جهانی داشتیم؟ و آیا این ادراک نقشی در شکل دادن به کنش‌های سیاسی و ملی داشته است؟ حزب عدالت و توسعه ترکیه در سال ۲۰۰۳ به قدرت رسید و محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ به ریاست جمهوری انتخاب شد. آیا ما با همان ادراکی که دولت ترکیه از عرصه جهانی و مفهوم «گذر زمان در رقابت بین‌المللی» داشت به جهان نگریم؟

آیا واقعاً روزها به همان اندازه که امروز در ماجرای برجام مهم شده‌اند، در نگرش به پروژه‌های عمرانی کشور نیز اهمیت داشته‌اند؟ آیا پروژه‌هایی نظیر بزرگراه تهران - شمال یا تکمیل پروژه‌های خطوط ریلی کشور، یا فرودگاه امام خمینی (ره) نشانی از اهمیت دادن به مفهوم زمان را بر پیشانی خود دارند؟ آیا ما در همان کشوری زندگی نمی‌کنیم که تکمیل پروژه‌های سازه‌های آبی به طور متوسط ۱۴ سال طول می‌کشند؟ و آیا پروژه‌های عمرانی به طور متوسط ۵ تا ۷ سال بیشتر از زمان برنامه‌ریزی شده طول نمی‌کشند؟ ایران آیا کشوری نیست که در آن آئین‌نامه قوانین با تأخیر چندساله نوشته می‌شوند، تدوین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران حداقل سه دهه تأخیر دارد، اجرای قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات پنج سال

تأخیر دارد، دولت‌ها بودجه‌های سالیانه را با تأخیر به مجالس می‌دهند، هواپیماها با تأخیر پرواز می‌کنند، جلسات با تأخیر تشکیل می‌شوند، گزارش‌های دولتی با تأخیر منتشر می‌شوند، کلاس‌های دانشگاه‌ها در آغاز ترم با تأخیر برگزار می‌شوند، واکنش به رخدادهای تأخیر است و ده‌ها نمونه دیگر از وقایعی وجود دارد که در آن‌ها زمان معنا و مفهوم مشخصی ندارد؟

این شواهد و ادراک پیشین نظام اجتماعی از زمان و نوع مواجهه همین نظام اجتماعی با برجام توأمان وقوع یک تغییر رویکرد را نشان می‌دهد که اگر حتی با مقاصد سیاسی دنبال شود، اما بر عرصه اجتماعی مؤثر است.

معجزه‌ای واقع شده و زمان به یکباره معنایی خاص یافته است. شاید روح زمان در ادراک سیاسیون، رسانه‌ها و جامعه ایران و برخی دیگر حلول کرده است. جالب اینکه جناح سیاسی‌ای بر زمان تأکید می‌کند که پیش‌تر نسبت به خیلی از مقولات زمان‌مند - نظیر توسعه ملی - حساسیت زیادی نداشته است. پرسش از زمان توسط هر جناحی که صورت گیرد و در هر بستری که باشد، راه برای پرسش‌گری‌های بعدی درباره مسائل دیگر را می‌گشاید. شاید جامعه ایرانی و گروهی از سیاستمداران آن به یکباره دریافته‌اند که پنجره فرصت‌ها به سرعت با گذشت زمان بسته می‌شوند و سراسیمه به دنبال گرفتن حق‌شان از زمان هستند. برخی به یکباره بر عظمت لحظه‌ها عارف شده‌اند و زاهدانه بر ثانیه‌ها سخت می‌گیرند. آیا «حس سرعت زمان» همراه با برجام متولد شده است. سیاسیون ممکن است با اهداف خاص خود به دنبال کسب خواسته‌های خود از القای «حس سرعت زمان» باشند، اما این القای این حس، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد. برجام سبب شده درک دیگری از زمان ایجاد شود: برجام زمان را مهم کرده، زیرا اکنون با هر روز سپری شدن از زمان اجرایی شدن برجام، گروهی انتظار دارند همه آن چیزهایی که چند دهه مهم نبودند و از دست داده‌ایم، اکنون حاصل شود. شاید به این طریق ادراک ما از زمان تغییر کند. این «حس سرعت زمان» همه کالبد و روح جامعه، سیاست و سیاست‌گذاری در ایران را فراخواهد گرفت و این بخشی از الزامات نیازهای جامعه ایران نیز هست. «ادراک زمان‌مند از برجام» میراثی برای همه ایرانیان است که به «ادراک زمان‌مند از همه سیاست» کمک خواهد کرد.

برجام فقط به تغییر ادراک «سرعت گذشت زمان» خلاصه نشده است. ما اکنون می‌توانیم ببینیم که برخی چنان رفتار می‌کنند گویی ادراک‌شان از دلار-شاخصی از سرمایه مادی - نیز تغییر کرده است. برجام به دو دلیل ادراک متفاوتی از دلار ایجاد کرده است. مردم ایران هیچ‌گاه قبل از اجرایی شدن برجام و طرح این موضوع که رفتار آمریکایی‌ها سبب شده بانک‌های اروپایی از تسهیل در معاملات دلاری ایران هراس داشته باشند، تا به این اندازه درباره اهمیت ضرورت داشتن ارتباطات بانکی نشنیده بودند. عموم مردم اصلاً از زبان برخی افراد، جناح‌ها و سیاستمداران نمی‌شنیدند که نظام بانکی بین‌المللی ستون فقرات تجارت جهانی است و نبودن در این شبکه تا چه اندازه می‌تواند خسارت‌بار باشد. مردم اکنون به وفور

درباره اهمیت این شبکه می‌شنوند و بسیاری مطالبه‌گر شده‌اند. به رغم این که برخی در گذشته دسترسی به نظام بانکی مبتنی بر دلار را بی‌ارزش جلوه می‌دادند، اما امروزه به اهمیت آن پی برده‌اند و این خود اهمیت زیادی دارد و قطعاً هیچ کس در آینده نمی‌تواند اهمیت بودن در شبکه بانکی، پولی و مالی بین‌المللی را بی‌اهمیت جلوه دهد.

برجام به معنایی دیگر نیز ادراکی متفاوت از دلار ایجاد کرده است. اکنون به یکباره دلارهای ایران مهم شده‌اند. ما می‌توانیم به منشأ پرونده‌ای که منجر به توقیف قریب به دو میلیارد دلار دارایی‌های مردم ایران در آمریکا شده، کاری نداشته باشیم و در خصوص خصومت آمریکایی‌ها با ایران نیز تردید نداریم، اما هر یک دلاری، به نفس دلار بودنش، با بقیه یک دلاری‌ها تفاوتی ندارد. مهم نیست که دلارهای ایران در بانک آمریکایی سرمایه‌گذاری شوند و از کف بروند یا در جایی دیگر هدر شوند و به کار ملت ایران نیایند. اگر از این منظر به نسبت برجام و دلار بنگریم، آن‌گاه واقف می‌شویم حال که اجرایی شدن برجام پرسشگری از هدر رفتن ۲ میلیارد دلار دارایی ایرانیان را سبب شده است. آیا نباید پی پرسشگری از بقیه دلارهای هدررفته نیز رفت؟ دلار، دلار است، این سوی جهان یا در قلب تهران، وقتی هدر می‌رود یک ملت زیان می‌کند.

کدام دلارها هدر رفته‌اند. دلارهای مردم ایران وقتی هدر رفتند که درآمدهای فراوان ارزی برای تأمین هزینه‌های فزاینده دولت به کار گرفته شدند، واردات به یکباره افزایش یافت و بازارهای کشور به روی کالاهای مصرفی خارجی گشوده شد. دلارهایی بسیار بیشتر از ۲ میلیارد دلار مورد بحث به واسطه تحریم‌ها در بانک‌های هندی، چینی، کره‌ای و اروپایی بلوکه شدند و دسترسی به آن‌ها برای سال‌ها ناممکن شد. دلارها وقتی به هدر رفتند که دولت‌ها و بالاخص دولت‌های نهم و دهم - از تبدیل آن‌ها به ریال و سرمایه‌گذاری برای آغاز بیش از ۴۰ هزار پروژه عمرانی در کشور که نیمه‌تمام مانده‌اند، استفاده کرده‌اند. دلارها وقتی هدر رفتند که صرف ساخت زیرساخت‌ها می‌شدند، در حالی که فضای کسب و کار کشور با بی‌ثباتی اقتصاد کلان هیچ‌انگیزه‌ای برای فعالیت اقتصادی باقی نمی‌گذاشت.

معنای اینکه کشوری قریب ۱۰۰ سال نفت بفروشد و درآمدی بیش از ۱۵۰۰ میلیارد دلار ناشی از فروش نفت را صرف کند و دست آخر کشوری در حال توسعه باشد که میانگین رشد اقتصادی پنج سال اخیر آن نزدیک به صفر است و چند میلیون بیکار دارد، یعنی دلار اصلاً هیچ وقت آن قدر که این روزها مهم شده، اهمیتی نداشته، اما برجام حساسیت به دلار را برانگیخته است. تحقق این امید به مفهوم زمان گره خورده است. البته، اگر چنان باشد که گذر ایام و فراق دلار در عصر دولت «حسن روحانی» ناخوشایند باشد و در ایام دولت «محمود احمدی‌نژاد» خاطری را رنجیده نسازد، ایرانیان از بالا و پایین چرخ روزگار چیزی عایدشان نخواهد شد، اما اگر پرسشگری از گذشت زمان و از دست دادن دلار در زمان همه دولت‌ها اصل باشد، پنجره‌ای رو به امید و توسعه گشوده و کشور گونه‌ای دیگر اداره خواهد شد.

برجام به تدریج همان گونه که اکثریت ایرانیان انتظار دارند ظرفیت‌های خود را آشکار می‌کند. برجام

یک روح و منطق است که لاجرم ظرفیتش برای تغییر ادراک جامعه از زمان، دلار و خیلی چیزهای دیگر را آشکار خواهد کرد. ما فقط باید بکوشیم برجام را از یک توافقنامه خارجی فراتر ببریم و به محرکی برای تغییر در شناخت‌مان از وضعیت داخلی تبدیل کنیم. برجام ظرفیت داشته که سرمایه اجتماعی خلق کند و ادراک جامعه ایرانی و گروه‌های سیاسی از مقولات مختلف را -گاه حتی مغرضانه- تغییر دهد. خیلی چیزها وقتی بیشتر تغییر خواهد کرد که جامعه ایرانی از پنجره حساسیت‌هایی که برجام برانگیخته به گذشته بنگرد. حساسیت‌های برجام فقط برای زمان حال و دولت حسن روحانی نیستند، بلکه گذشته نیز با همین حساسیت‌ها بازخوانی خواهد شد. این همان دستاورد اجتماعی بنیادینی است که برجام در خود نهفته دارد.